

عکس/حمایت از تولید ملی به روش امیرکبیر

۱۴ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۲۱

مردم به او تأسی و اقتدا کرده، سبک ایرانیت و رواج جنس مملکت خود را از دست نمی‌دادند و ترقی ملک و ملت و پیشرفت صنعت اهل حرفت را به رنگ‌های زرد و سرخ خارجه که اعراض صرف است تبدیل نمی‌کردند.

میرزا تقی‌خان امیرکبیر به برخی اصلاحات در دستگاه سلطنت قجری مشهور است. یکی از کارهایی که او میل داشت انجام دهد، در عین برقراری روابط بازرگانی خارجی، حمایت از تولید داخلی بود. میرزا محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، سیاستمدار عصر قاجار در «صدرالتواریخ» دو نمونه از این تدبیر امیرکبیر را بیان کرده است که از نظر می‌گذرانید:

«میرزا تقی‌خان امیرنظام، برحسب معاهده تجارتنی که با دول [خارجی] بسته شده بود از آوردن اجناس آن‌ها به ایران منعی نمی‌کرد؛ ولی به حرکات و عادات خود طوری سلوک می‌داشت [وانمود می‌کرد] که جنس خارجه را مردود می‌ساخت و کسی خریدار نمی‌شد. غالباً البسه خود را به پارچه‌هایی قرار می‌داد که در ایران می‌بافتند. به این واسطه مردم به او تأسی و اقتدا کرده، سبک ایرانیت و رواج جنس مملکت خود را از دست نمی‌دادند و ترقی ملک و ملت و پیشرفت صنعت اهل حرفت را به رنگ‌های زرد و سرخ خارجه که اعراض صرف است تبدیل نمی‌کردند. متاع مملکت خود را می‌خریدند که همیشه درم و دینارشان به دست خودشان دایر و سایر باشد و به خارجه نرود که خود بعد از چندی سرگردان و معطل باشند.

امیر در این فقره جد و جهد بلیغ داشت. اهل کاشان و اصفهان و خراسان در شهربافی خود بر عهد امیر خیلی ترقی کردند؛ ولی فرمایش داد که به جای شال کشمیری که قیمتش به کیسه دیگران عابد می‌شود در کرمان شالی ببافند که منسوب به امیر نمایند. اهل کرمان شال‌های مسمات [=نامیده شده] به امیری بافتند که قیمت بعضی از آن طاقه‌ای به صد و شصت تومان رسید و از شال کشمیری برتری جست و الحق نیکو از عهده برآمدند.

هر طاقه شال امیری متداولی و معمولی به سی تومان و چهل تومان قیمت می‌رسید و اکنون از آن شال‌ها هنوز در ایران باقی است، و تا چند سال دیگر اسمی از امیری مانده، رسمی نخواهد داشت از آن که بعد از رحلت امیر دیگر به آن ترتیب کار نمی‌کنند و در آن دستگاه شال امیری نمی‌بافند



حمایت از تولید ملی

وقتی که امیر با موکب همایونی از اصفهان به طرف تهران می آمدند، در قم توقیفی کردند و در آن قلیان بلور از انگلیس می آوردند و یکی پنج تومان می فروختند و نهایت آب و تاب و صفا و بها داشت و اعیان به آن قلیانها مجلس خود را باشکوه می داشتند و

هنگام توقف به قم کوزه گران قلیان سفالی ساخته، به حضور آوردند و سرهای گلی بر آن گذاشتند. امیر فرمود که همان قلیان ها را چاق کنند و در مجلس آرند و استعمال نمایند. همین قدر در آن روز گفت که این قلیان های گلی خوب چیزی است و استعمال آن دور از بلور تراش انگلیسی دیده نشد. همگی بنا به متابعت او عادت خود را بر شرب قلیان های سفالی قرار دادند و رفته رفته این کار شیوع یافت و اکنون کار به جایی رسیده است که اعیان و اشراف و غیرهم به هر جا که وارد می شوند امر به آوردن قلیان کوزه و سفال کرده، از روی حقیقت آن ها را بهتر از قلیان بلور و چینی می دانند و قیمت قلیان بلور و چینی خارجه در ایران تنزل کرده. اکنون در همه جا قلیان سفال استعمال می شود و قلیان های سفالی لعاب دار ساده و برجسته که الوان گوناگون دارد، در این زمان نهایت مرغوبی و امتیاز را دارند و جمعی به کسب همین کار اشتغال داشته، گذران می کنند.»

بر روی سنگ گور امیر کبیر این اشعار نوشته شده است:

آه که در جهان دون از صدمات این غما
عالم روز واپسین گشت عیان به عالما
خاک ملال از جهان دون از صدمات این غما
رفت به گلشن جنان وارث آصف جما
کارگشای متقی حارس ملک دین تقی
آن که ز سهم او شقی شد به سوی جهنما
راد امیر دادخواه میرجهانیان پناه
آن که بسوخت نظم او خرگه ترک و دیلما
تیغ یلان تیز رو ماند بکف چون ماه نو
رفت لقمه ای گرو نیزه و گرز رستما
آه ز چرخ واژگون کز حرکات بی سکون
کرد به خاک سرنگون سرسهی دما دما
خاصه اتابک زمن بنده ی خاص ذوالمنن
کرده سپاه تن به تن رستم و سام نیرما
دادگری بنای او ابر کرم عطای او
شعر من و ثنای او هست چو قطره یما
بست چوبار این سفر روح امیر نامور
شد زمدار تا مدر ماه صفر محرما
هاتف رحمت خدا خواند به گوشش این ندا
کز در بندگی در آ تا چه شوی مکرما

سال وفات او زغم کلک سرود زد رقم
گفت که بی زیاد و کم «آه امیر اعظما»

«آه امیر اعظما»، به حساب ابجد ۱۲۶۹ قمری، یک سال پس از شهادت امیرکبیر و در واقع سال تدفین وی در عتبات عالیات
است. شاعر این اشعار تاکنون مشخص نیست.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۴۶۱/امیرکبیر-روش-ملی-تولید-حمایت-عکس/>